

A Systematic Review of the Concept of Moral Characters

Mohsen Arbezi*, Masoud Fazilat Pour**

Abstract

The present research, which was conducted with the aim of investigating and explaining the efforts made in the field of conceptualization of moral character; It is a systematic review that was done using the library review method. To carry out the research, Farsi and English keywords of moral character, ethics, and character virtues were searched in well-known databases from 1970 to 2023, and 38 articles were extracted. Thirty-two articles were selected based on the criteria of the degree of connection with the research topic, the credibility of the authors, and the publishing journal, and the rest were discarded. The findings showed that moral psychologists had examined personality traits related to moral behavior in recent years to predict moral behavior. Following the recent orientations, various models have emerged under different titles but with the same theme of moral character. Among the models of moral character, the three-component model of Cohen and colleagues (2014) seems to be the one that conceptualizes moral character in the form of a multifaceted structure, including motivational, ability and identity components; it should be more comprehensive in determining and conceptualizing the constituent components and mechanisms of an ethical character. The findings of this study research can be effective both theoretically and practically. Theoretically, the personality antecedents of ethical and unethical behavior have been interpreted. In addition, from the practical point of view, these findings can help psychologists interested in this field to evaluate moral character. In addition, the present research findings can effectively determine the appropriate criteria during the selection and recruitment of organizations.

Keywords

ethics, moral character, character virtues, personality antecedents, moral psychology.



*Ph. D. Candidate of Educational Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran (Responsible Author).

Mohsenarbezi20@gmail.com.

**Associate Professor of Cognitive Psychology, Department of Educational Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Fazilatm@shirazu.ac.ir

مروری نظام‌دار بر مفهوم منش‌های اخلاقی

محسن آربزی*، مسعود فضیلت‌پور**

چکیده

پژوهش حاضر که با هدف بررسی و تشریح تلاش‌های صورت گرفته در زمینه مفهوم‌سازی منش اخلاقی انجام شد، مروری نظام‌دار است که با استفاده از روش مرور کتابخانه‌ای انجام شد. برای انجام پژوهش، کلیدواژه‌های فارسی و انگلیسی منش اخلاقی، اخلاق و فضیلت‌های منش در پایگاه‌های شناخته‌شده در بازه زمانی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۳ جستجو و ۳۸ مقاله استخراج شد. بر اساس معیارهای میزان ارتباط با موضوع پژوهش و اعتبار نویسندگان و مجلات منتشرکننده، ۳۲ مقاله انتخاب گردید. یافته‌ها نشان داد در سال‌های اخیر، روان‌شناسان اخلاق برای پیش‌بینی رفتار اخلاقی به بررسی آن دسته از صفات شخصیتی می‌پردازند که با رفتار اخلاقی مرتبط هستند. در پی جهت‌گیری اخیر، مدل‌های مختلفی با عناوین متفاوت اما با مضمون مشابه منش‌های اخلاقی پدید آمده است. از بین مدل‌های منش اخلاقی به نظر می‌رسد مدل سه مؤلفه‌ای کوهن و همکاران (۲۰۱۴) که منش اخلاقی را در

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).

Mohsenarbezi20@gmail.com

** دانشیار روان‌شناسی شناختی، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

Fazilatm@shirazu.ac.ir

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۳



قالب ساختاری چندوجهی شامل مؤلفه‌های انگیزشی، توانایی و هویتی مفهوم‌سازی می‌کند، در تعیین و مفهوم‌سازی مؤلفه‌ها و مکانیسم‌های تشکیل‌دهنده منش اخلاقی از جامعیت بیشتری برخوردار است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند هم به لحاظ نظری و هم کاربردی مؤثر واقع گردد. از جنبه نظری، پیشایندهای شخصیتی رفتار اخلاقی و غیر اخلاقی تفسیر شده است. همچنین از نظر کاربردی، این یافته‌ها می‌تواند در ارزیابی منش اخلاقی، یاری‌بخش روان‌شناسان علاقه‌مند به این حیطه باشد. علاوه بر آن، یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند در تعیین ملاک‌های مناسب هنگام گزینش و جذب نیرو در سازمان‌ها مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها

اخلاق، منش اخلاقی، فضیلت‌های منش، پیشایندهای شخصیتی، روان‌شناسی اخلاق.

مقدمه

کدام جنبه‌های شخصیت نشان‌دهنده منش اخلاقی است؟ نزدیک به یک قرن است که روان‌شناسان درباره این سؤال بحث می‌کنند؛ اما اجماع نظری و تجربی کمی درباره مؤلفه‌های اساسی تمایلات اخلاقی صورت گرفته است (Ashton, Lee & Vries, 2014; Hogan, 1975). برخی این ایده را که صفات شخصیت بر رفتارهای اخلاقی تأثیر می‌گذارند، به نقد می‌کشند و در عوض، معتقدند عوامل موقعیتی سبب تفاوت‌های فردی در رفتارهای اخلاقی هستند (Bazerman & Gino, 2012; Doris & Doris, 2002).

با این حال، این استدلال با مطالعات بی‌شماری که نشان می‌دهد رفتار غیر اخلاقی با گستره‌ای از صفات شخصیت مرتبط است، مغایرت دارد (Ashton & Lee, 2007; Ashton et al., 2014; Berry, Carpenter, & Barratt, 2012; Cohen, Panter, & Turan, 2012; Henle & Gross, 2013).



دانش دربارهٔ نسبی بودن صفات مختلف برای پیش‌بینی رفتار اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های مختلف فردی و اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است (Ones, Viswesvaran & Schmidt, 2012; Sackett & Walmsley, 2014)؛ برای مثال، فرض کنید تصمیم دارید فردی را به‌عنوان دوست برگزینید. چه صفاتی می‌تواند رفتار اخلاقی یا غیراخلاقی فرد موردنظر را در موقعیت‌های آتی پیش‌بینی کند؟ این مثال اهمیت دانش دربارهٔ صفات مربوط به منش اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های زندگی فردی را نشان می‌دهد. در مثالی دیگر، فرض کنید مدیر شرکتی هستید و تصمیم دارید افرادی را به‌عنوان کارمند استخدام کنید؛ سؤال این است که کدام صفات مهم‌ترین متغیرها هستند برای پیش‌بینی اینکه چه کسی احتمال دارد در محل کار، غیراخلاقی رفتار کند؟

مروری بر مطالعات پیشین نشان داد تاکنون، مجموعهٔ بزرگی از ویژگی‌های منش‌های اخلاقی به‌طور جامع بررسی نشده است. همچنین اهمیت نسبی هر کدام از این ویژگی‌ها برای پیش‌بینی رفتار اخلاقی و غیراخلاقی مشخص نشده است و ابهامات زیادی در این باره وجود دارد. با وجود این، اندک پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه به نتایج قابل توجهی دست یافته‌اند (Cohen, Morse & Kim, 2014; Kim & Cohen, 2015) که لازم است به شرح و تفسیر آن‌ها پرداخت.

بنابر پاره‌ای دلایل نظری و تلویحات کاربردی، درک اینکه کدام صفات باید به‌عنوان ویژگی‌های منش اخلاقی مفهوم‌سازی شوند، درخور توجه است. به‌لحاظ نظری، مسئلهٔ اصلی این است که ما نمی‌دانیم کدام یک از تفاوت‌های فردی، پیش‌بینی‌کنندهٔ بهتری برای رفتار اخلاقی است. توصیه‌هایی در حد شواهد تجربی موجود برای ارزیابی منش اخلاقی و بررسی رابطهٔ آن با دیگر متغیرها در اختیار پژوهشگران قرار دهد. از نظر کاربردی نیز شناسایی صفات شخصیتی که در پیش‌بینی رفتارهای اخلاقی و غیراخلاقی نقش دارند، می‌تواند هنگام گزینش، جذب



نیروی انسانی و به کارگماری افراد در منصب‌های مختلف، دلالت‌های مهمی در سازمان‌ها برای تصمیم‌گیری داشته باشد (Kim & Cohen, 2015).

یکی از دلایل ابهام دربارهٔ اینکه چه صفاتی را باید به‌عنوان ویژگی‌های منش اخلاقی در نظر گرفت، این است که تأکید اصلی در پژوهش‌های حیطهٔ روان‌شناسی اخلاق بر این بوده که افراد در دوراهی‌ها یا تنگناهای (dilemmas) دشوار اخلاقی (در موقعیت‌هایی که انتخاب صحیح یا غلط به‌طور مشخص وجود ندارد) چگونه به قضاوت می‌پردازند؛ برای مثال، بسیاری از پژوهش‌های روان‌شناسی اخلاق از معماهای اخلاقی کلبرگ استفاده کرده‌اند؛ مانند پروندهٔ هاینز (Rest et al., 1999)؛ وضعیتی که پاسخ‌دهندگان باید تصمیم بگیرند که آیا آقای هاینز برای نجات همسر در حال مرگ خود باید دارو را سرقت کند یا نه. در چنین تنگناهای اخلاقی، ارزش‌های اخلاقی مربوط به انصاف، عدالت، مراقبت و وفاداری همه در بازی و اغلب در تضاد هستند. به همین ترتیب، این تنگناهای اخلاقی، ابزاری مؤثر برای شناسایی انواع فرایندهای شناختی و عاطفی در موقعیت‌هایی است که قضاوت دربارهٔ درستی و نادرستی عمل دشوار می‌نماید (Haidt, 2010; Narvaez, 2010). با این حال، هرچند ایجاد تنگناهای اخلاقی می‌تواند در بررسی استدلال‌های اخلاقی مؤثر واقع شود، ممکن است برای درک آنچه رفتارهای روزمره را پیش‌بینی می‌کند و در آن موقعیت‌ها توافق گسترده‌ای دربارهٔ درستی یا نادرستی انتخاب وجود دارد، مفید واقع نشود.

دومین دلیل وجود ابهام در این سؤال که چه صفاتی را باید به‌عنوان ویژگی‌های منش اخلاقی مطرح کرد، این است که بیشتر پژوهش‌های صورت‌گرفته، به‌جای بررسی چندین جنبهٔ شخصیت به‌طور هم‌زمان، به بررسی مجموعهٔ کوچکی از صفات محدود شده‌اند.

هنگامی که جنبه‌های مختلف گسترده و کلی شخصیت در کنار هم بررسی می‌شود، مانند پنج عامل بزرگ شخصیت (Big-Five factor) (Berry et al.,)



2012) یا عوامل مدل هگزاکو (HEXACO Model) (Ashton et al., 2014)، ابعاد وسیع تری را در بر می گیرد. لذا می توان گفت تعداد کمی از مطالعات شخصیت و رفتار اخلاقی، صفات گسترده را هم زمان بررسی کرده اند. البته درباره نقاط قوت و فضیلت ها (Peterson & Seligman, 2004) استثنا وجود دارد.

این کار در روان شناسی مثبت پایه گذاری شده است و هدف آن ایجاد طبقه بندی علمی «خصوصیات مثبت فردی» بیان شده است. منش های مثبتی که پترسون و سلینگمن (Peterson & Seligman, 2004) در نظر می گیرند، گسترده و کلی هستند؛ همچون طنز، خلاقیت، رهبری و دیگر توانایی ها و استعداد های مطلوب اجتماعی به همراه تفاوت های فردی مانند انصاف، صداقت و خود کنترلی که تصور می کنیم بیشتر در پیش بینی رفتار های اخلاقی و غیر اخلاقی اثر گذار هستند. اما مشکل این رویکرد این است که ساختار منش اخلاقی به درستی تعریف نمی شود و طبقه بندی صفات به خوبی صورت نمی گیرد؛ برای مثال، خلاقیت در طبقه بندی پترسون و سلینگمن (Peterson & Seligman, 2004) یک فضیلت منش محسوب می شود؛ زیرا این امر با فضیلت خرد ارتباط دارد. اما پژوهش های تجربی نشان می دهد خلاقیت با کمک به افراد در توجیه رفتار غیر اخلاقی از طریق عقلانیت مبتکرانه، رفتار غیر اخلاقی را تسهیل می کند (Gino & Ariely, 2012).

در حالی که ممکن است خلاقیت یک صفت مطلوب اجتماعی باشد (Peterson & Seligman, 2004)، با توجه به اینکه با ناهنجاری و تقلب بیشتر همراه است، چندان جالب به نظر نمی رسد که آن را یک ویژگی اخلاقی در نظر بگیریم (Maille, Gentina & Li, 2021).

علاوه بر طبقه بندی پترسون و سلینگمن (Peterson & Seligman, 2004) از توانمندی های منشی، بلاسی (Blasi, 2005) نیز صفات شخصیتی را در قالب یک مدل مفهومی، شناسایی و دسته بندی کرده است. در این مدل، فضیلت ها به دو دسته فضیلت های مرتبه پایین تر و فضیلت های مرتبه بالاتر تقسیم می شوند.

فضایل مرتبه پایین تر شامل بسیاری از استعداد‌های خاص از جمله، همدلی، شفقت، انصاف، صداقت، سخاوت، مهربانی و تلاش است. به طور معمول، این صفات، نشان‌دهنده استعدادهایی برای پاسخ‌گویی به روش‌های خاص و در شرایط خاص است. در مقابل، صفات مرتبه بالاتر از عمومیت بیشتری برخوردارند و در بسیاری از موقعیت‌ها از آن‌ها استفاده می‌شود.

مطابق مدل بلاسی، صفات مرتبه بالاتر به دو خوشه تقسیم می‌شوند؛ بلاسی، یک خوشه را «قدرت اراده» یا به عبارت دیگر، «خودکنترلی» می‌نامد. خودکنترلی، مجموعه‌ای از مهارت‌هاست که به خودتنظیمی و حل مسئله منجر می‌شود. شکستن مشکلات به مشکلات کوچک‌تر، هدف‌گذاری، تمرکز توجه، اجتناب از حواس‌پرتی، مقاومت در برابر وسوسه، پایدردی در کار، پشتکار با عزم راسخ و خودانضباطی - توانمندی‌های ذیل خوشه «قدرت اراده» هستند. خوشه دوم صفات مرتبه بالاتر، حول مفهوم «یکپارچگی» (Integrity) سازمان یافته است که به سازگاری درونی اشاره دارد. شفاف بودن در قبال خود، مسئولیت‌پذیری، مسئولیت‌پذیری در قبال خود، صادق بودن و مقاومت در برابر خودفریبی از ویژگی‌های یکپارچگی است (Blasi, 2005).

یکپارچگی زمانی مسئولیت‌پذیری شمرده می‌شود که فرد خود را با اقداماتی برای رسیدن به اهداف اخلاقی خود محدود کند. این دیدگاه بلاسی نشان می‌دهد خودکنترلی و یکپارچگی از نظر اخلاقی خنثی هستند؛ اما وقتی به منش‌های اخلاقی مربوط می‌شوند، اهمیت پیدا می‌کنند؛ به عبارت دیگر، زمانی که فرد از خودکنترلی و یکپارچگی برای رسیدن به خواسته‌های اخلاقی خود استفاده می‌کند، می‌توان خودکنترلی و یکپارچگی را از مشخصه‌های منش‌های اخلاقی به حساب آورد.

برخلاف طبقه‌بندی فضیلت‌های منش (Peterson & Seligman, 2004) و فضیلت‌های مرتبه پایین تر و بالاتر (Blasi, 2005) که صرفاً به شناسایی و



طبقه‌بندی منش‌های مثبت یا فضیلت‌ها می‌پردازند، کوهن و همکارانش (Cohen et al., 2014) روی صفات شخصیتی‌ای تمرکز کرده‌اند که رفتارهای اخلاقی و غیراخلاقی را در زندگی روزانه مردم پیش‌بینی می‌کند.

شباهت کار کوهن و همکارانش با رویکرد پترسون و سلیگمن این است که هر دو گروه یک نظریهٔ صفت را دربارهٔ منش اخلاقی در نظر می‌گیرند و فرض می‌کنند منش اخلاقی یک جزء واحد نیست، بلکه مجموعه‌ای از صفات مختلف است. برخی از صفات شخصیت، پایدار و عمومی هستند و برخی دیگر با فرایندهای خودتنظیمی فرد شکل می‌گیرند و بنابراین، قابل‌پرورش یا قابل‌تغییر هستند (Larsen, Buss, Wismeijer, Song & Van den Berg, 2021).

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت، هدف پژوهش حاضر، کندوکاو در تلاش‌ها و پژوهش‌های پیشین دربارهٔ منش‌های اخلاقی و صفات شخصیتی است که با اخلاقی رفتار کردن مرتبط هستند. علاوه بر آن، پژوهش حاضر به دنبال تشریح و نقد مدل‌های مطرح‌شده دربارهٔ منش‌های اخلاقی است. با توجه به هدف یادشده، سؤال پژوهش حاضر این است که کدام صفات شخصیتی پیش‌بینی‌کنندهٔ بهتری برای رفتار اخلاقی است؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، مروری نظام‌دار دربارهٔ مفهوم منش اخلاقی است که با استفاده از روش مرور کتابخانه‌ای انجام شده است. برای انجام این پژوهش ابتدا کلیدواژه‌های فارسی و انگلیسی منش اخلاقی، اخلاق و فضیلت‌های منش در پایگاه‌های شناخته‌شده علمی، ISC, SID, ProQuest, Google Scholar, Scopus, Medline, Pubmed, Web of Science جستجو و مقالات و کتاب‌های مربوط به آن از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۳ استخراج شد. از این طریق، ۳۸ منبع که در بررسی اولیه مرتبط به نظر می‌رسیدند، به دست آمد.



در مرحله دوم، بررسی دقیق‌تری روی منابع موجود، بر اساس معیارهای میزان ارتباط با موضوع پژوهش و اعتبار نویسندگان و مجلات منتشرکننده صورت گرفت و بدین ترتیب، ۳۲ مقاله برای استفاده در پژوهش حاضر انتخاب و مابقی از فرایند بررسی کنار گذاشته شدند.

یافته‌ها

اخلاق، سازه بسیار دشواری برای تعریف کردن است (Janoff-Bulman & Carnes, 2013; Rai & Fiske, 2011)؛ اما به‌طور کلی، می‌توان گفت اخلاق به معیارهای رفتاری درست و نادرست اشاره دارد (Cohen et al., 2014).

حیطه اخلاق را می‌توان با این ایده که اخلاق به تنظیم روابط اجتماعی افراد مربوط است، توضیح داد (Haidt & Kesebir, 2010; Janoff-Bulman & Carnes, 2013; Rai & Fiske, 2011). مطابق دیدگاه تنظیم روابط، هدف اخلاق، تسهیل روابط بین‌فردی و بهینه کردن زندگی گروهی انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی است (Janoff-Bulman & Carnes, 2013; Rai & Fiske, 2011).

وونگ (Wong, 2006) در تعریف اخلاق می‌گوید که در بافت اجتماعی، اخلاق، سیستمی است که انسان‌ها برای کار و ارتباط با یکدیگر ایجاد می‌کنند و دربردارنده استدلال، منطق و هنجارهاست. فلیپل، صاحبا، ویک و امیر رادفر (Flipl et al., 2016) اخلاق را توافقی رایج و تعادلی اجتماعی می‌دانند که بر نحوه رفتار و مواجهه افراد تمرکز دارد. همچنین فرایمر، شیفر و اکیس (Frimer, Schaefer, & Oakes, 2014) بیان می‌کنند اخلاق به‌معنای پیروی از منافع شخصی نیست، بلکه متعادل‌سازی منافع شخصی با منافع دیگری است.

جونوف-بلومن و کارنس (Janoff-Bulman & Carnes, 2013) سیستم اخلاقی را شامل بایدها و نبایدها می‌دانند و بر این اساس می‌توان گفت اخلاق شامل



سیستم‌های نظارتی فعال و مهار رفتاری است؛ به عبارت دیگر، اخلاق شامل بایدها و نبایدهایی است که بر رفتار، افکار و هیجانات ما حاکم هستند. اما فرایندی که نیروی لازم برای اجرای بایدها و نبایدهای اخلاقی را فراهم می‌کند، انگیزه‌های اخلاقی است (Janoff-Bulman & Carnes, 2013).

انگیزه‌های اخلاقی اشکال مختلفی دارد که برخی از آنها همچون خویش‌داری و سخت‌کوشی، شخصی است، برخی دیگر مانند صدمه‌نزدن به دیگران و کمک کردن به دیگران جنبه بین‌فردی دارد و برخی دیگر مانند نظم اجتماعی و عدالت اجتماعی در سطح گروه یا جمع قرار دارند (Janoff-Bulman & Carnes, 2013). آنچه اهمیت دارد پویایی و تعامل بین انگیزه‌های مختلف است؛ چراکه موقعیت‌های مختلف اجتماعی و انواع روابطی که در آن قرار داریم، می‌تواند انگیزه‌های متفاوتی را در زمان‌های مختلف برجسته کند (Rai & Fiske, 2011)؛ بنابراین، زمانی که انگیزه‌های اخلاقی مبتنی بر گروه، مانند وفاداری و انسجام اجتماعی فعال شوند، نسبت به زمانی که انگیزه‌های اخلاقی بین‌فردی مانند انصاف فعال می‌شوند، همان فرد اخلاقی بسیار متفاوت عمل خواهد کرد (Morse & Cohen, 2019).

با ظهور روان‌شناسی مثبت‌گرا و توجه به افزایش کیفیت زندگی افراد، پژوهش‌ها نشان داد ویژگی‌های اخلاقی با بسیاری از متغیرهای مثبت روان‌شناسی رابطه دارند (Seligman, 2002). سلیگمن (Seligman, 2002) شش فضیلت اخلاقی جهان‌شمول شامل شجاعت (courage)، خرد (wisdom)، انسانیت (humanity)، عدالت (justice)، خویش‌داری (temperance) و تعالی (transcendence) را مطرح کرد. این شش فضیلت طبق فلسفه اخلاق ارسطویی، جزء فضایل منش هستند که با تمرین و تکرار و عادت پرورش می‌یابند. توانمندی‌های منشی مطرح‌شده در روان‌شناسی مثبت‌نگر به همراه مؤلفه‌های آن در جدول ۱ آمده است.



جدول ۱: طبقه‌بندی توانمندی‌های منشی و صفات مرتبط با هریک از آن‌ها

توانمندی منش	مصادیق توانمندی‌های منش (تعریف آن)
خرد و دانش	خلاصیت: تفکر درباره روش‌های جدید و مولد برای انجام کارها
	کنجکاوی: علاقه به تجربیات جاری
	گشودگی: فکر کردن به چیزهای مختلف و بررسی آن‌ها از جنبه‌های مختلف
	عشق به یادگیری: تسلط بر مهارت‌ها، موضوعات و دانش جدید
شجاعت	دیدگاه‌گیری: توانمندی در ارائه مشاوره عاقلانه به دیگران
	صداقت: بیان حقیقت و ارائه خود به شیوه واقعی
	شجاعت: نترسیدن در برابر تهدید، بحران، مشکل یا درد
	پشتکار: به پایان رساندن کار
انسانیت	اشتیاق: گرایش به زندگی با هیجان و انرژی
	مهربانی: انجام نیکی و کارهای خوب در حق دیگران
	عشق: ارزشمند پنداشتن روابط نزدیک با دیگران
عدالت	هوش اجتماعی: آگاهی از انگیزه‌ها و احساسات خود و دیگران
	انصاف: رفتار با مردم با توجه به مفاهیم انصاف و عدالت
	رهبری: سازمان‌دهی فعالیت‌های گروهی و نظارت بر انجام آن‌ها
خویش‌داری	کار گروهی: خوب کار کردن به‌عنوان عضو یک گروه یا تیم
	بخشش: بخشیدن کسانی که مرتکب اشتباه شده‌اند
	متواضع بودن: به جای اینکه فرد درباره دستاوردهای خود صحبت کند، اجازه دهد خود بیان شوند و بروز یابند
	دوراندیشی: دقت در انتخاب‌های خود، نگفتن چیزی یا انجام‌دادن کاری که بعداً موجب پشیمانی شود
تعالی	خودتنظیمی: تنظیم کردن آنچه فرد احساس می‌کند و انجام می‌دهد
	قدردانی از زیبایی و برتری: توجه و قدردانی از زیبایی و برتری و/یا عملکرد ماهرانه در همه زمینه‌های زندگی
	قدردانی: آگاه بودن و سپاس گزار بودن از اتفاقات خوب
	امید: انتظار بهترین‌ها را داشتن و تلاش برای دستیابی به آن‌ها
	طنز: علاقه به خندیدن و شوخی، آوردن لبخند بر چهره دیگران
	مذهبی بودن: داشتن باورهای منسجم درباره هدف و معنای بالاتر زندگی



در زمینه روان‌شناسی شخصیت نیز طبقه‌بندی‌های مختلفی از صفات شخصیت ارائه شده است؛ برای مثال، طبق دیدگاه کلونینجر (Cloninger, 1994)، صفات شخصیتی به دو دسته سرشتی (temperament) و منشی (character) تقسیم می‌شوند. سرشت به پاسخ‌های هیجانی خودکار مربوط می‌شود، بیشتر جنبه وراثتی دارد و طی عمر نسبتاً ثابت می‌ماند.

در مقابل، منش به خودپنداره‌ها (self-concept) و تفاوت‌های فردی در اهداف، ارزش‌ها و انتخاب‌های فرد و معنای زندگی اشاره دارد. منش بیشتر متأثر از یادگیری اجتماعی فرهنگی است و طی زندگی رشد می‌یابد. هر یک از ابعاد سرشتی و منشی در شبکه‌ای تعاملی، سازگاری و تطابق زندگی فرد با اجتماع را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سلامت روان‌شناختی و وضعیت‌های مطلوب روانی و از طرفی آمادگی برای اختلال‌های روانی، از تعامل ویژگی‌های سرشتی و منشی فرد نشئت می‌گیرند (Cloninger & Syrakic, 1994).

تفاوت‌های افراد در صفات منشی و سرشتی، شخصیت‌های مختلف را پدید می‌آورد. ترکیب نمرات پایین در ویژگی‌های منش و نمرات بالا در ابعاد سرشت، شخصیت‌های نابالغ، غیرمنطقی، واکنشی و بی‌ثبات را می‌سازد. از طرفی، هر چه بر نمره افراد در ویژگی‌های منش افزوده شود و تعادل بیشتری در نمرات سرشت به وجود آید، میزان بهداشت روانی بیشتر می‌شود (Río-Martínez et al., 2020).

قبل از پرداختن به منش اخلاقی، یادآوری این نکته لازم است که واژه منش در ادبیات روان‌شناسی حداقل به شش صورت به کار رفته است. تفاوت اساسی در استفاده از اصطلاح منش، استفاده از آن به عنوان شخصیت در مقابل استفاده از آن به عنوان جزئی از شخصیت است؛ به بیان دیگر، گاهی در ادبیات پژوهشی، اصطلاح منش برابر با شخصیت در نظر گرفته شده است.

در این تعریف، منش به عنوان ویژگی‌هایی که مشتمل بر کنش‌ها، شناخت‌ها، انگیزش و هیجانات افراد است و افراد در آن‌ها با یکدیگر تفاوت دارند، در نظر

گرفته شده است (Moreira et al., 2021). پس از آن، مواردی همچون خصوصیات ژنتیکی و ذاتی و برخی ویژگی‌های هوشی، به‌خاطر ارائه تعریف دقیق‌تر منش، کنار گذاشته شد (Sperry, 1997). طبق تعریف دوم که منش برای ارزیابی زیرمجموعه‌ای از شخصیت بیان شده، افراد را می‌توان بر اساس منش‌های موردنظر و جایگاه خود در این منش‌ها، به‌صورت بهتر-بدتر یا بیشتر-کمتر تقسیم‌بندی کرد. در تعریف دوم منش، می‌توان از منش‌های اخلاقی در بررسی و ارزیابی اخلاق، انحرافات اجتماعی، حضور فضیلت‌ها و انطباق اجتماعی استفاده کرد. یکی دیگر از تفاوت‌های بین دو تعریف منش، تفاوت آن‌ها در تأکید بر جنبه‌های مختلف اخلاق است؛ یعنی میزانی که فرد قادر است ارزش‌های اخلاقی خود را تحقق بخشد و رفتار اخلاقی را بروز دهد.

کوهن و همکارانش (Cohen et al., 2014) در تعریف منش اخلاقی بیان کرده‌اند که منش اخلاقی به‌عنوان تمایل و آمادگی فرد برای تفکر، احساس و رفتار اخلاقی یا به‌بیان دیگر، به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از تفاوت‌های فردی در اخلاق بیان شده است. فاندرو و فاست (Funder & Fast, 2010) نیز در تعریف منش اخلاقی، ضمن برشمردن افکار، احساس و رفتار اخلاقی، بر سازکارهای روان‌شناختی زیربنای این مؤلفه‌ها نیز تأکید کرده‌اند.

کوهن و همکارانش (Cohen et al., 2014) با تأکید بر رفتارهای اخلاقی در سازمان‌ها، برای پاسخ‌دادن به این سؤال که کدام تفاوت‌های فردی در بروز رفتارهای اخلاقی مؤثرند، مدلی را ارائه کرده‌اند که در آن سه مؤلفه انگیزش (motivation)، هویت اخلاقی (moral identity) و توانایی (ability) در رفتار اخلاقی تأثیر دارند (شکل ۱).

بدین ترتیب، این پژوهشگران فرض کردند منش اخلاقی یک بُعد شخصیتی واحد نیست، بلکه ساختاری چندوجهی است که از صفات زیستی و اکتسابی تشکیل شده است.



صفات با قابلیت توارث پذیری بیشتر همچون صداقت- فروتنی، وظیفه‌شناسی و سازگاری (Ashton et al., 2014; Berry et al., 2012; Henle & Gross, 2013) و صفات موقعیتی شامل در نظر گرفتن دیگران، همدلی (Batson et al., 2003)، احساس گناه (Cohen et al., 2012; Tangney, Stuewig & Mashek, 2007;)، ماکولیسم (O'Boyle, Forsyth, 2014; Tangney, Stuewig & Martinez, 2014)، خودکنترلی (Banks & McDaniel, 2012; Baumeister, Vohs & Tice,)، و هویت اخلاقی (Aquino et al., 2009; Shao, 2007; Gino et al., 2011) است. (Aquino & Freeman, 2008)

در مجموع، این تفاوت‌های فردی می‌تواند با تقویت انگیزه فرد برای اخلاقی‌بودن (مثلاً در نظر گرفتن دیگران)، توانایی اخلاقی‌بودن (مثلاً خودتنظیمی) و کسب هویت به‌عنوان فردی اخلاقی (تمایل به دیدن خود به‌عنوان فردی اخلاقی) سبب کاهش رفتارهای غیراخلاقی و تقویت رفتارهای اخلاقی شود.

مؤلفه انگیزشی به گرایش فرد به در نظر گرفتن نیازها و خواسته‌های دیگران و تأثیر کنش فرد بر دیگران گفته می‌شود. ملاحظه دیگران بدین دلیل یکی از عوامل مدل منش اخلاقی محسوب می‌گردد که به رفتار منصفانه با دیگران و تنظیم روابط موفق با دیگران منجر می‌گردد (Cohen et al., 2014). نمونه‌های صفات مؤلفه انگیزشی منش‌های اخلاقی مطابق با شواهد پژوهشی در جدول ۲ آمده است.



جدول ۲: نمونه صفات مربوط به مؤلفه انگیزشی منش های اخلاقی

ردیف	نام پژوهشگر و سال	عنوان مقاله	نوع مقاله	صفت شخصیتی	یافته ها	مؤلفه منش اخلاقی
۱	باتسون و همکاران، ۲۰۰۳	همان طور که دوست داری با تو رفتار کنند: آیا تصور کردن خود به جای دیگری باعث تحریک عمل اخلاقی می شود؟	تجربی	همدلی	همدلی عمل اخلاقی را افزایش می دهد.	مؤلفه انگیزشی
۲	تانگی و همکاران، ۲۰۰۷	هیجان اخلاقی و رفتار اخلاقی	مروری (فصلی از کتاب)	احساس گناه	هیجان اخلاقی واسطه های مهمی در رابطه بین معیارهای اخلاقی و رفتار اخلاقی هستند.	
۳	تانگی و همکاران، ۲۰۱۴	دو چهره شرم: نقش شرم و گناه در پیش بینی تکرار جرم	تجربی	هیجان شرم و گناه	هیجان گناه، به طور منفی، تکرار جرم را پیش بینی می کند؛ لیکن هیجان شرم می تواند دو شکل سازنده یا غیرسازنده داشته باشد. در شکل سازنده، هیجان شرم نیز تکرار جرم را کاهش می دهد.	



مؤلفه منش اخلاقی	یافته‌ها	صفت شخصیتی	نوع مقاله	عنوان مقاله	نام پژوهشگر و سال	ردیف
	صفت صداقت فروتنی هم به‌طور مستقیم و هم از طریق واسطه‌گرها رفتار غیراخلاقی را کاهش می‌دهد.	صداقت-فروتنی	تجربی	صداقت-فروتنی و رفتار غیراخلاقی در نوجوانان: نقش واسطه‌گری عدم درگیری اخلاقی و نقش تعدیل‌کنندگی نظام توجیه	گوا و همکاران، ۲۰۲۱	۴

مؤلفه توانایی نیز به توانمندی فرد در انجام کنش اخلاقی و اجتناب از ارتکاب کنش‌های غیراخلاقی اشاره دارد. عنصر توانایی با صفاتی که در کنترل رفتارها تأثیرگذارند، در ارتباط است.

سه صفت که در زیرمجموعه این عامل قرار می‌گیرند، خودکنترلی (self-control)، وجدان (conscience) و در نظر گرفتن پیامدهای آتی رفتار است. نمونه‌های صفات مؤلفه توانایی منش‌های اخلاقی مطابق با شواهد پژوهشی در جدول ۳ آمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



جدول ۳: نمونه صفات مربوط به مؤلفه توانایی منش های اخلاقی

ردیف	نام پژوهشگر و سال	عنوان مقاله	نوع مقاله	صفت شخصیتی	یافته‌ها	مؤلفه منش اخلاقی
۱	هنلی و گروس، ۲۰۱۳	بررسی رابطه بین کج رفتاری در محل کار و شخصیت کارکنان	(فصلی از کتاب) مروری	ویژگی های شخصیتی	ویژگی های شخصیتی با رفتارهای انحرافی در محل کار مرتبط است.	مؤلفه توانایی
۲	بایبستر و همکاران، ۲۰۰۷	مدلی نیرومند از خودکنترلی	مروری	خودکنترلی	خودکنترلی یک توانایی ضروری برای رسیدن به اهداف بلندمدت و حتی برای انجام رفتارهای سلامت محور است. برای افزایش خودکنترلی می توان از مجموعه ای از راهبردها همچون اجتناب از برخی موقعیت ها، القای خلق مثبت، ارتقای انگیزش خودمختار، تأیید مجدد اهداف بلندمدت و ارزش های سطح بالاتر و استراحت بین انجام تکالیف استفاده کرد.	مؤلفه توانایی
۳	گینو و همکاران، ۲۰۱۱	ناتوانی در مقاومت در برابر وسوسه: چگونه کاهش خودکنترلی باعث افزایش رفتار غیر اخلاقی می شود؟	تجربی	خودکنترلی	کاهش خودکنترلی، رفتار غیر اخلاقی را افزایش می دهد.	مؤلفه توانایی



ردیف	نام پژوهشگر و سال	عنوان مقاله	نوع مقاله	شخصیتی صفت	یافته‌ها	مؤلفه منش اخلاقی
۴	لی و همکاران، ۲۰۲۰	شخصیت، نگرش و هم‌بسته‌های جمعیت شناختی بی‌صدافتی تحصیلی: یک فراتحلیل	مروری (فراتحلیل)	ویژگی‌های شخصیتی	از بین ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجور خوایی بی‌صدافتی تحصیلی را به‌عنوان یک رفتار غیر اخلاقی، به‌صورت مثبت و صفات وظیفه‌شناسی و سازگاری بی‌صدافتی تحصیلی را به‌صورت منفی پیش‌بینی می‌کنند.	
۵	گیلوک و پوستلوایت، ۲۰۱۵	پنج عامل بزرگ شخصیت و بی‌صدافتی تحصیلی: یک مرور فراتحلیلی	مروری (فراتحلیل)			
۶	شیخ، ۲۰۰۷	انگیزه‌های اخلاقی: رابطه بین خودتنظیمی و اخلاق	تجربی	خودتنظیمی	انگیزه‌های گرایشی و اجتنابی به شیوه‌های متفاوتی جهت‌گیری اخلاقی فرد را پیش‌بینی می‌کنند که این تفاوت ناشی از نقش خودتنظیمی در جهت‌گیری اخلاقی فرد است.	
۷	آبویی و همکاران، ۲۰۱۲	فراتحلیلی از سه‌گانه تاریک و رفتار کاری: دیدگاه تبادل اجتماعی	مروری (فراتحلیل)	سه‌گانه تاریک (ماکیولسم، خودشیفتگی و اختلالات روانی)	کاهش کیفیت عملکرد شغلی با ماکیولسم و اختلالات روان‌شناختی مرتبط است و رفتارهای شغلی غیرمولد با هر سه صفت شخصیتی سه‌گانه تاریک مرتبط است.	

منظور از مؤلفه هویت اخلاقی، اهمیت دادن به اخلاق و تمایل به دیدن خود به‌عنوان فرد اخلاقی است. هویت اخلاقی بیانگر میزان اهمیت و محوریت اخلاق در خودپنداره فرد است. تفاوت‌های افراد در درونی‌سازی اخلاق نشان می‌دهد که تا چه اندازه اخلاقی بودن بخشی مهم از «خود» (self) فرد به شمار می‌آید.

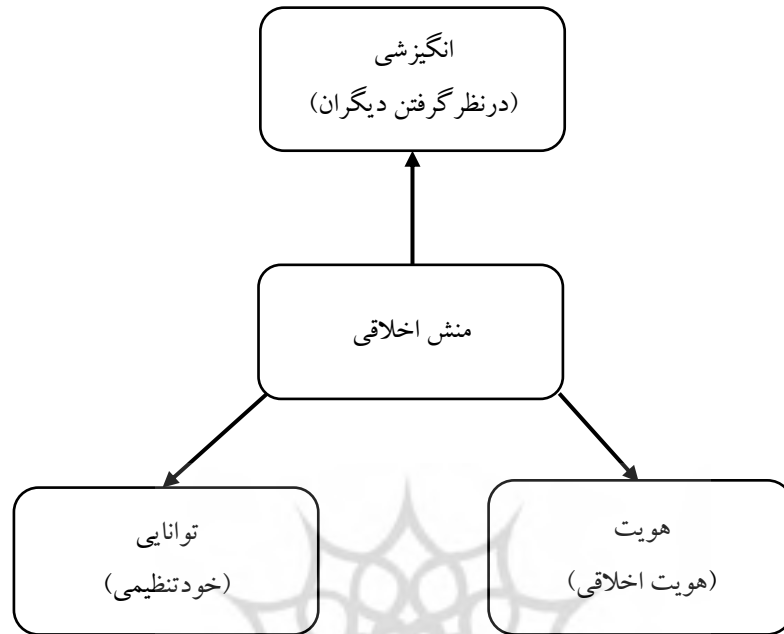


صفات اخلاقی ای همچون علاقه، مراقبت، صداقت و مهربانی در خودپنداره افرادی که خود اخلاقی درونی شده‌ای دارند، وجود دارد (Aquino & Reed, 2002). نمونه‌های صفات هر یک از مؤلفه‌های منش‌های اخلاقی در جدول ۴ آمده است.

در شکل ۱ نیز خصوصیت چندبُعدی منش اخلاقی ترسیم شده است.

جدول ۴: نمونه صفات مربوط به مؤلفه هویتی منش‌های اخلاقی

ردیف	نام پژوهشگر و سال	عنوان مقاله	نوع مقاله	شخصیتی صفت	یافته‌ها	مؤلفه منش اخلاقی
۱	هرتز و کرتناور، ۲۰۱۶	آیا هویت اخلاقی به‌طور مؤثر رفتار اخلاقی را پیش‌بینی می‌کند؟ (یک فراتحلیل)	مروری (فراتحلیل)	هویت اخلاقی	هویت اخلاقی انواع رفتاری اخلاقی را پیش‌بینی می‌کند.	مؤلفه هویتی
۲	شاو و همکاران، ۲۰۰۸	فراز از استدلال اخلاقی: مروری بر پژوهش‌های هویت اخلاقی و پیامدهای آن برای اخلاق تجاری	مروری	هویت اخلاقی	هویت اخلاقی انواع رفتاری اخلاقی را پیش‌بینی می‌کند.	مؤلفه هویتی



شکل ۱: مدل سه مؤلفه‌ای منش اخلاقی (Cohen et al., 2014)

مفهوم‌سازی منش اخلاقی، به‌عنوان داشتن انگیزه، توانایی و عناصر هویتی، یادآور نظریه رابرت هوگان (Hogan, 1973 & 1975) است که بیان می‌کند همدلی، جامعه‌پذیری و استقلال از ویژگی‌های بارز افراد اخلاقی بالغ است.

در حمایت از نظریه هوگان (Hogan, 1975) باید گفت رابطه مثبتی بین همدلی و رفتارهای اخلاقی برقرار است و همچنین رابطه‌ای منفی بین همدلی و رفتارهای غیراخلاقی (Batson et al., 2003; Eisenberg, 2000) وجود دارد.

به همین ترتیب، پژوهش‌های مربوط به رابطه بین وظیفه‌شناسی و رفتار اخلاقی، نظریه هوگان را تأیید می‌کنند؛ چراکه این نظریه جامعه‌پذیری را کلید اصلی منش اخلاقی می‌داند (Berry et al., 2012; Roberts et al., 2009).



به‌طور خاص، مانند مفهوم‌سازی‌های جدیدتر برای وظیفه‌شناسی (Roberts et al., 2009) هوگان معتقد بود «شخص ممکن است اجتماعی شود تا حدی که قوانین، ارزش‌ها و ممنوعیت‌های جامعه خود را شخصاً اجباری تلقی کند» (Hogan, 1973, p. 221).

همچنین مشابه مفهوم‌سازی تازه‌تر برای هویت اخلاقی (Aquino & Reed, 2002) هوگان خاطر نشان کرد شخص می‌تواند از تقلب خودداری کند؛ نه به خاطر همدلی یا معاشرت، بلکه بیشتر به این دلیل که او «تقلب را سبب نابودی حیثیت خود می‌داند» (Hogan, 1973, p. 226).

بنابراین، کار هوگان نشان می‌دهد صفات مربوط به همدلی (در نظر گرفتن دیگران، دیدگاه‌گیری)، جامعه‌پذیری (وظیفه‌شناسی) و استقلال (هویت اخلاقی، درونی‌سازی) مؤلفه‌های مهم منش اخلاقی هستند.

مرور مبانی نظری منش‌های اخلاقی نشان می‌دهد افراد با نمره بالا در منش‌های اخلاقی، نسبت به افرادی که در منش‌های اخلاقی نمره پایینی کسب می‌کنند، از یکپارچگی (integrity) و خیرخواهی (benevolent) بیشتری برخوردارند؛ لذا این دو مؤلفه سبب می‌گردد افرادی قابل اعتماد به حساب آیند (Cohen & Proneness, 2017).

افراد با سطوح بالای منش اخلاقی به نیازها و علایق دیگران و نحوه‌ای که رفتار آنها بر دیگران تأثیر می‌گذارد، توجه می‌کنند. همچنین افراد با سطوح بالای منش اخلاقی، هنگامی که کار اشتباهی انجام می‌دهند، سعی می‌کنند آن را اصلاح کنند؛ حتی اگر هیچ‌کس از آن اطلاع نداشته باشد. به‌طور کلی، افرادی قابل اعتماد، خیرخواه و مهربان (compassionate) هستند (Ibid).

در مقابل، افراد با سطوح پایین منش اخلاقی، بی‌عاطفه (callous)، حيله‌گر (manipulative)، غیر قابل اعتماد (unreliable) و بیشتر از «دیگری» بر «خود» متمرکز هستند.

وقتی این افراد کار اشتباهی انجام دهند، بعید است از رفتار خود احساس بدی داشته باشند یا سعی کنند اشتباه خود را جبران کنند. به طور کلی، افراد با سطوح پایین منش اخلاقی، بی رحم (cruel)، بی صداقت (dishonest) و بی ملاحظه (inconsiderate) هستند (Ibid).

شواهد پژوهشی نشان می‌دهد منش‌های اخلاقی با رفتارهای اخلاقی و غیر اخلاقی مرتبط است (Cohen, 2017)؛ برای مثال، صفات صداقت-فروتنی و احساس گناه به عنوان صفاتی که در طبقه‌بندی منش‌های اخلاقی قرار دارند با بزهکاری، تصمیم‌گیری غیر اخلاقی، رفتارهای شغلی غیر مولد و رفتار غیر اخلاقی رابطه منفی دارند (Cohen et al., 2013 & 2014; Cohen et al., 2012; Guo et al., 2021). صفت احساس گناه که در ساختار منش اخلاقی نیز قرار دارد، با رفتارهایی همچون بخشیدن اشتباهات دیگران، رابطه مثبت دارد (Jordan, Flynn & Cohen, 2015). هم‌بسته‌های وظیفه‌شناسی در بافت تحصیلی نیز بررسی شده است (Lee, Kuncel & Gau, 2020; Giluk & Postlethwaite, 2015). شواهد پژوهشی حاکی از این است که وظیفه‌شناسی با رفتارهای غیر اخلاقی همچون بی‌صداقتی تحصیلی (Giluk & Postlethwaite, 2015; Lee et al., 2020) مرتبط است.

خودکنترلی و خودتنظیمی نیز به عنوان مؤلفه‌های توانشی منش اخلاقی با اخلاق مرتبط هستند (Sheikh, 2007; Geyer & Baumeister, 2005). همدلی نیز به عنوان یک صفت منشی با اخلاق مرتبط است (Decety & Cowell, 2014 & 2015)؛ برای مثال، همدلی می‌تواند رفتار جامعه‌پسند (Davis, 2015) و نوع دوستی (Bethlehem et al. 2017) را پیش‌بینی کند. به طور کلی، می‌توان گفت شواهد تجربی نشان می‌دهد منش‌های اخلاقی با رفتارهای اخلاقی مرتبط هستند (Cohen et al., 2013) و اساس انتخاب هر یک از صفاتی که در طبقه‌بندی منش‌های اخلاقی قرار می‌گیرد، توانایی پیش‌بینی رفتار اخلاقی بر اساس مبانی نظری و شواهد پژوهشی موجود است (Cohen et al., 2014).





نتیجه گیری

پژوهش‌های روان‌شناختی اخیر به بررسی منش اخلاقی از دیدگاه روان‌شناسی شخصیت نزدیک شده‌اند. این پژوهش‌ها بیان می‌کنند منش اخلاقی از الگوهای منحصر به فرد شناختی، هیجانی و رفتاری که با اخلاق در ارتباط است، تشکیل شده است (Cohen & Morse, 2014).

می‌توان گفت اخلاق شامل معیارهای رفتاری درست و نادرست است که راهنمایی‌هایی را درباره آنچه باید و نباید انجام داد، فراهم می‌کند (Janoff-Bulman & Carnes, 2013).

درک تفاوت‌های فردی در منش اخلاقی به ما این امکان را می‌دهد که رفتارهای غیر اخلاقی را که به مردم، سازمان‌ها و جامعه آسیب می‌رساند، پیش‌بینی و احتمالاً از آن‌ها پیشگیری کنیم. پژوهش حاضر با هدف مرور نظام‌مند تلاش‌های صورت گرفته برای شناسایی آن دسته از صفات شخصیت که توانایی پیش‌بینی رفتار اخلاقی را دارند، انجام شد. در راستای پاسخ‌دهی به سؤال پژوهش، مدل‌های مختلفی از جمله مدل توانمندی‌های منشی پترسون و سلیگمن (Peterson & Seligman, 2004)، تقسیم‌بندی سرشتی منشی کلونینجر (Cloninger, 1994)، مدل بلاسی (Blasi, 2005) از فضیلت‌های مرتبه پایین‌تر و بالاتر و در نهایت، مدل منش اخلاقی کوهن و مورس (Cohen & Morse, 2014) بررسی و تبیین شد.

از میان مدل‌های مطرح شده، مدل منش اخلاقی کوهن و همکاران (Cohen et al., 2014) جامعیت بیشتری دارد و پاسخ بهتری به سؤال پژوهش حاضر می‌دهد. کوهن و مورس (Cohen & Morse, 2014) اخیراً مدلی سه مؤلفه‌ای ارائه داده‌اند که منش اخلاقی را به مؤلفه‌های انگیزشی، توانایی و هویتی تجزیه می‌کند.

گفتنی است مدل منش اخلاقی کوهن و همکاران (Cohen et al., 2014) بدان دلیل بر دیگر مدل‌های مطرح شده در زمینه منش‌های اخلاقی ترجیح داده می‌شود که

منش اخلاقی را به عنوان ساختاری چندبُعدی و نه سازه‌ای واحد تعریف می‌کند (Cohen et al., 2013).

مطابق نظریه‌های مطرح در حوزه روان‌شناسی، به‌ویژه روان‌شناسی شخصیت، می‌توان گفت رفتار تنها تحت تأثیر یک صفت نیست، بلکه مجموعه‌ای از متغیرهای درون‌فردی و موقعیتی با یکدیگر در تعامل هستند تا در نهایت، رفتاری بروز کند (لارسن و همکاران، ۲۰۲۱).

کوهن و همکاران (Cohen et al., 2014) این مهم را به‌خوبی در مفهوم‌سازی برای منش اخلاقی در نظر گرفته‌اند و بدین ترتیب، مجموعه‌ای از صفات زیستی و اکتسابی که مطابق با شواهد تجربی، توان پیش‌بینی رفتار اخلاقی را دارند، در زیرمجموعه عناصر انگیزشی، توانایی و هویتی قرار داده‌اند.

دلیل دیگر ترجیح مدل سه‌مؤلفه‌ای کوهن و همکاران (Cohen et al., 2014) آن است که این مدل به‌خوبی به عوامل تأثیرگذار بر رفتار، به‌طور کلی و رفتار اخلاقی، به‌طور خاص، توجه کرده و آن‌ها را در مفهوم‌سازی منش اخلاقی جای داده است؛ برای مثال می‌توان به اهمیت هویت اخلاقی در اخلاقی یا غیراخلاقی رفتار کردن اشاره کرد (Hertz & Krettenauer, 2016).

بر اساس ادبیات پژوهشی گسترده روان‌شناسی، به‌ویژه روان‌شناسی اخلاق، الزام برخوردار از هویت و معیارهای شناختی برای خود در حیطه‌های اساسی از جمله حیطه اخلاق، برای عملکرد موفقیت‌آمیز ضروری به نظر می‌رسد (Krettenauer, 2020; Blasi, 2005).

طبق نظر بلاسی (Blasi, 2005)، هویت اخلاقی بر اساس تعهدات اخلاقی ساخته می‌شود. برای فرد با اخلاق فردی، مقوله‌های اخلاقی یا مفاهیم اخلاقی برای درک خود، مرکزی، اساسی و مهم هستند. در هویت اخلاقی تعهدات اخلاقی عمیقاً هسته اصلی افراد و فردیت را تشکیل می‌دهند. کسی دارای هویت اخلاقی است که نزد او تصورات اخلاقی مانند خوب بودن، عادل بودن، دلسوز یا منصف بودن برای





درک خود، مرکزی، ضروری و مهم تلقی شوند. کسی که تلاش می‌کند باورهای خود را با تعریف تعهدات اخلاقی حفظ کند، دارای هویت اخلاقی است؛ برای مثال، اگر ملاحظات اخلاقی برای فرد بسیار مهم باشد، یکپارچگی خود به این بستگی دارد که شخص در عمل خود سازگار باشد.

اقدام نکردن به شیوه‌ای که در هویت اخلاقی برای فرد اساسی و مهم است؛ یکپارچگی فرد را به خطر می‌اندازد (Nucci & Narvez, 2014). به‌طور خلاصه می‌توان چنین بیان کرد که هویت اخلاقی در ادبیات روان‌شناسی اخلاق، به‌دلیل اهمیت اساسی که در تبیین رفتار اخلاقی و تربیت اخلاقی دارد، محوری اساسی به‌شمار می‌رود (Hertz & Krettenauer, 2016).

کوهن و همکاران (Cohen et al., 2014) نیز در مفهوم‌سازی خود برای منش اخلاقی، توجه ویژه‌ای به این سازه مهم داشته‌اند و هویت اخلاقی و صفات شخصیتی مرتبط با آن را یکی از مؤلفه‌های منش اخلاقی محسوب کرده‌اند.

برای اخلاقی رفتار کردن، علاوه بر هویت اخلاقی، برخورداری از صفاتی که توانایی لازم برای عمل بر اساس معیارهای اخلاقی را فراهم می‌کند، ضروری است (Cohen et al., 2013). در واقع، توانایی اجرا کردن معیارهایی که هویت فرد بر اساس آن‌ها تعریف می‌شود، نیازمند سازکارهای خاصی از جمله خودکنترلی، خودتنظیمی و وظیفه‌شناسی است (Schunk & Zimmerman, 2013; De Ridder et al., 2012; McCrae, 2017).

کوهن و همکاران (Cohen et al., 2014) به‌خوبی مؤلفه‌های اجرایی منش اخلاقی را در مفهوم‌سازی خود از منش اخلاقی مدنظر قرار داده‌اند. آن‌ها با اضافه کردن مؤلفه توانایی، صفات شخصیتی را که شواهد پژوهشی نشان می‌دهد توانمندی لازم را برای اخلاقی رفتار کردن به فرد می‌دهد، در مفهوم‌سازی خود از منش اخلاقی ملحوظ کرده‌اند.

از سوی دیگر، افراد برای بروز رفتار به انگیزش نیاز دارند؛ چراکه انگیزش فراهم آورنده انرژی و نیروی لازم برای آغاز، هدایت و نگهداری رفتار به حساب می آید (Reeve, 2018).

مدل منش اخلاقی کوهن و همکاران (Cohen et al., 2014) به مؤلفه‌های انگیزشی در مفهوم‌سازی منش اخلاقی توجه دارد و آن دسته از صفات شخصیتی را که فراهم آورنده منابع انگیزشی برای رفتار اخلاقی هستند، بر اساس مدل‌های نظری روان‌شناسی شخصیت و پژوهش‌های تجربی شناسایی کرده و در طبقه‌بندی خود جای داده است.

بنابراین، می‌توان گفت یکی از دلایل عمده‌ای که سبب می‌شود مدل منش اخلاقی کوهن و همکاران (Cohen et al., 2014) به دیگر مدل‌های مطرح‌شده در زمینه منش‌های اخلاقی ترجیح داده شود، این است که نگاه جامع و منسجمی به منش اخلاقی دارد و عناصر مختلفی را که برای اخلاقی رفتار کردن مورد نیاز است، در مفهوم‌سازی خود لحاظ می‌کند (Kim & Cohen, 2015)؛ به عبارت دیگر، کوهن و همکاران (Cohen et al., 2014) منش اخلاقی را سازه‌ای واحد در نظر نمی‌گیرند. چنانچه در عمل نیز برخورداری از مجموعه‌ای از مؤلفه‌های هویتی (درونی‌سازی معیارهای اخلاقی، هویت)، توانشی (خودتنظیمی، خودکنترلی، وظیفه‌شناسی) و انگیزشی (صداقت‌فروتنی، همدلی، در نظر گرفتن دیگران) برای منش اخلاقی و اخلاقی رفتار کردن ضروری است.

دیگر مزیت مدل منش‌های اخلاقی کوهن و همکاران (Cohen et al., 2014) این است که آن‌ها با استفاده از شواهد پژوهشی به شناسایی صفات شخصیتی که توانایی پیش‌بینی رفتار اخلاقی را دارند، پرداخته‌اند و توانایی صفات طبقه‌بندی‌شده در این مدل برای تبیین رفتار اخلاقی به تأیید تجربی رسیده است.

این در حالی است که طبقه‌بندی توانمندی‌های منشی (Peterson & Seligman, 2004) صرفاً با مطالعه متون ادیان مختلف صورت گرفته است و بلاسی





(Blasi, 2005) میزان گستردگی فضیلت‌ها را به‌عنوان ملاک طبقه‌بندی برمی‌گزیند. کلونینجر (۱۹۹۴) نیز تنها به زیستی یا اکتسابی بودن صفات شخصیت توجه می‌کند. لذا می‌توان گفت ملاک کار کوهن و همکاران (Cohen et al., 2014) سبب شده مدل آن‌ها کارآمدی بیشتری در تبیین رفتار اخلاقی در موقعیت‌های عملی داشته باشد.

با این حال، سطوح پایین منش اخلاقی نه تنها بر انجام رفتارهای غیراخلاقی تأثیر می‌گذارد، بلکه به‌طور غیرمستقیم با تأثیرگذاری بر موقعیت‌هایی که فرد با آن‌ها مواجه می‌شود (Kim, Cohen & Panter, 2015)، سبب بروز رفتار غیراخلاقی می‌گردد (Wiltermuth & Cohen, 2014).

در مقابل، سطوح بالای منش اخلاقی نه تنها انجام رفتارهای اخلاقی را سبب می‌گردد، بلکه به‌طور غیرمستقیم و از طریق تأثیرگذاری بر دیگر سازکارهای موقعیتی نیز سبب تقویت رفتارهای اخلاقی می‌شود (Kim et al., 2015). درک بیشتر تعامل بین منش اخلاقی، عوامل محیطی و رفتار غیراخلاقی و پویایی آن‌ها، رویکردی مهم برای پژوهش‌های آینده است.

همچنین با توجه به پژوهش‌های خارجی (Kim & Cohen, 2015) و داخلی (آربزی و خرمائی، ۱۴۰۰ الف؛ آربزی و خرمائی، ۱۴۰۰ ب) اشتیاق فراوانی برای ادامه پیشرفت در این زمینه وجود دارد.

در نهایت، می‌توان گفت نتایج پژوهش حاضر می‌تواند تلویحات مهمی برای گزینش و به کارگماری افراد در منصب‌های مختلف سازمانی داشته باشد و بر اساس شواهد پژوهشی، در نظر گرفتن صفات یادشده ذیل هریک از مؤلفه‌های مدل منش اخلاقی کوهن و همکاران (Cohen et al., 2014) هنگام جذب نیرو، می‌تواند به‌طور قابل توجهی از بروز رفتارهای غیراخلاقی در سازمان‌ها پیشگیری کند.

کتاب نامه

۱. آربزی، محسن و فرهاد خرمائی (۱۴۰۰ الف)، «رابطه اخلاق و وظیفه گرا و اهداف پیشرفت: نقش واسطه‌ای منبع کنترل»، *مجله روان‌شناسی*، ۲۵(۱): ۳۲-۴۹.
۲. آربزی، محسن و فرهاد خرمائی (۱۴۰۰ ب)، «رابطه ساختاری منش اخلاقی صبر و اهداف پیشرفت تحصیلی دانشجویان: نقش واسطه‌ای منبع کنترل»، *راهنمای توسعه در آموزش پزشکی*، ۸(۲): ۴۱-۵۱.
3. Aquino, K., & Reed, A. (2002). "The self-importance of moral identity". *Journal of Personality and Social Psychology*, 83(6): 1423-1440.
4. Aquino, K., Freeman, D., Reed II, A., Lim, V. K., & Felps, W. (2009). "Testing a social-cognitive model of moral behavior: The interactive influence of situations and moral identity centrality". *Journal of Personality and Social Psychology*, 97(1): 123-141.
5. Ashton, M. C., & Lee, K. (2007). "Empirical, theoretical, and practical advantages of the HEXACO model of personality structure". *Personality and Social Psychology Review*, 11(2): 150-166.
6. Ashton, M. C., & Lee, K. (2008). "The HEXACO model of personality structure and the importance of the H Factor". *Social and Personality Psychology Compass*, 2(5): 1952-1962.
7. Ashton, M. C., Lee, K., & Vries, R. E. (2014). "The HEXACO Honesty-Humility, Agreeableness, and Emotionality Factors A Review of Research and Theory". *Personality and Social Psychology Review*, 18(2): 139-152.



8. Ashton, M. C., Paunonen, S. V., & Lee, K. (2014). "On the validity of narrow and broad personality traits: A response to". *Personality and Individual Differences*, 56: 24-28.
9. Batson, C. D., Lishner, D. A., Carpenter, A., Dulin, L., Harjusola-Webb, S., Stocks, E. L., ... & Sampat, B. (2003). "As you would have them do unto you: Does imagining yourself in the other's place stimulate moral action". *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29(9): 1190-1201.
10. Baumeister, R. F., Vohs, K. D., & Tice, D. M. (2007). "The Strength Model of Self-Control". *Current Directions in Psychological Science*, 16(6): 351-355.
11. Bazerman, M. H., & Gino, F. (2012). "Behavioral Ethics: Toward a Deeper Understanding of Moral Judgment and Dishonesty". *Annual Review of Law and Social Science*, 8(1): 85- 104.
12. Berry, C. M., Carpenter, N. C., & Barratt, C. L. (2012). "Do other-reports of counterproductive work behavior provide an incremental contribution over self-reports? A meta-analytic comparison". *Journal of Applied Psychology*, 97(3): 613-636.
13. Bethlehem, R. A., Allison, C., van Andel, E. M., Coles, A. I., Neil, K., & Baron-Cohen, S. (2017). "Does empathy predict altruism in the wild?" *Social Neuroscience*, 12(6): 743-750.
14. Blasi, A. (2005). "Moral character: A psychological approach. In D.K. Lapsley & F.C. Power (Eds.)", *Character psychology and character education* (pp. 18-35), Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press.



15. Cloninger, C. R. (1994). "Temperament and personality". *Current Opinion in Neurobiology*, 4(2): 266-273.
16. Cloninger, C. R., & Svrakic, D. M. (1994). *Differentiating normal and deviant personality by the seven factor personality model*. In S. Strack and M Lorr (Eds). New York: Springer Publishing co.
17. Cohen, T. R. (2017). "The morality factor". *Scientific American-Mind*, 28(1): 32-38.
18. Cohen, T. R., & Morse, L. (2014). "Moral character: What it is and what it does". *Research in Organizational Behavior*, 34: 43-61.
19. Cohen, T. R., & Proneness, G. (2017). "Moral Character and Trustworthiness in Negotiations". *The Negotiator's Desk Reference*, 471-480.
20. Cohen, T. R., Morse, L., & Kim, Y. (2014). "Moral character in the workplace". *Journal Personality and Social Psychology*, 107(5): 943-963.
21. Cohen, T. R., Panter, A. T., & Turan, N. (2012). "Guilt proneness and moral character". *Current Directions in Psychological Science*, 21(5): 355-359.
22. Cohen, T. R., Panter, A. T., Turan, N., Morse, L., & Kim, Y. (2013). "Agreement and similarity in self-other perceptions of moral character". *Journal of Research in Personality*, 47(6): 816-830.
23. Cohen, T. R., Panter, A. T., Turan, N., Morse, L., & Kim, Y. (2014). "Moral character in the workplace". *Journal of Personality and Social Psychology*, 107(5): 943-963.



24. Davis, M. H. (2015). Empathy and prosocial behavior. In D. A. Schroeder & W. G. Graziano (Eds.), *The Oxford handbook of prosocial behavior* (pp. 282–306). Oxford University Press.
25. De Ridder, D. T., Lensvelt-Mulders, G., Finkenauer, C., Stok, F. M., & Baumeister, R. F. (2012). “Taking stock of self-control: A meta-analysis of how trait self-control relates to a wide range of behaviors”. *Personality and Social Psychology Review*, 16(1): 76-99.
26. Decety, J., & Cowell, J. M. (2014). “Friends or foes: Is empathy necessary for moral behavior?” *Perspectives on Psychological Science*, 9(5): 525-537.
27. Decety, J., & Cowell, J. M. (2015). “Empathy, justice, and moral behavior”. *AJOB Neuroscience*, 6(3): 3-14.
28. Doris, J. M., & Doris, J. M. (2002). *Lack of character: Personality and moral behavior*. Cambridge University Press.
29. Eisenberg, N. (2000). “Emotion, regulation, and moral development”. *Annual Review of Psychology*, 51(1): 665-697.
30. Fillip, I., Saheba, N., Wick, B. & Amir Radfar, M. D. (2016). Morality and ethical theories in the context of human behavior. *Morality and Ethical Theories*, 32(2): 83-87.
31. Frimer, J. A., Schaefer, N. K. & Oakes, H. (2014). “Moral actor, selfish agent”. *Journal of Personality and Social Psychology*, 106(5): 790-802.
32. Funder, D. C. & Fast, L. A. (2010). Personality in social psychology. In S. T. Fiske, D. T. Gilbert, & G. Lindzey



(Eds.), *Handbook of social psychology* (pp. 668–697). John Wiley & Sons, Inc.

33. Geyer, A. L. & Baumeister, R. F. (2005). Religion, Morality, and Self-Control: Values, Virtues, and Vices. In R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), *Handbook of the psychology of religion and spirituality* (pp. 412–432). The Guilford Press.

34. Giluk, T. L. & Postlethwaite, B. E. (2015). “Big Five personality and academic dishonesty: A meta-analytic review”. *Personality and Individual Differences*, 72: 59-67.

35. Gino, F., & Ariely, D. (2012). “The dark side of creativity: original thinkers can be more dishonest”. *Journal of Personality and Social Psychology*, 102(3): 445-459.

36. Gino, F., Schweitzer, M. E., Mead, N. L., & Ariely, D. (2011). “Unable to resist temptation: How self-control depletion promotes unethical behavior”. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 115(2): 191-203.

37. Guo, Z., Li, W., Yang, Y., & Kou, Y. (2021). “Honesty-Humility and unethical behavior in adolescents: The mediating role of moral disengagement and the moderating role of system justification”. *Journal of Adolescence*, 90: 11-22.

38. Haidt, J. & Kesebir, S. (2010). Morality, In S. T. Fiske, D. T. Gilbert & G. Lindzey (Eds.), *Handbook of Social Psychology* (Vol. 5, pp. 797-832), New York: Wiley.



39. Haidt, J. (2010). "Moral psychology must not be based on faith and hope: Commentary on Narvaez". *Perspectives on Psychological Science*, 5(2): 182-184.
40. Henle, C. & Gross, M. (2013). Born to Be Deviant?: An Examination of the Relationship between Workplace Deviance and Employee Personality. In S. Elias (Ed.), *Deviant and Criminal Behavior in the Workplace* (pp. 50-76). New York, USA: New York University Press.
41. Hertz, S. G. & Krettenauer, T. (2016). "Does moral identity effectively predict moral behavior?: A meta-analysis". *Review of General Psychology*, 20(2): 129-140.
42. Hogan, R. (1973). "Moral conduct and moral character: A psychological perspective". *Psychological Bulletin*, 79(4): 217-232.
43. Hogan, R. (1975). "The structure of moral character and the explanation of moral action". *Journal of Youth and Adolescence*, 4(1): 1-15.
44. Janoff-Bulman, R. & Carnes, N. C. (2013). "Surveying the Moral Landscape Moral Motives and Group-Based Moralities". *Personality and Social Psychology Review*, 17(3): 219-236.
45. Jordan, J., Flynn, F. J. & Cohen, T. R. (2015). "Forgive them for I have sinned: The relationship between guilt and forgiveness of others' transgressions". *European Journal of Social Psychology*, 45(4): 441-459.
46. Kim Y., Cohen T. R. & Panter A. T. (2015). The reciprocal relationship between counterproductive work behavior and workplace



mistreatment: Its temporal dynamics and boundary conditions. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2638429> Paper presented at the annual meeting of the Interdisciplinary Network for Group Research (INGroup), Pittsburgh, PA.

47. Kim, Y. & Cohen, T. R. (2015). "Moral character and workplace deviance: Recent research and current trends". *Current opinion in Psychology*, 6: 134-138.

48. Krettenauer, T. (2020). "Moral identity as a goal of moral action: A Self-Determination Theory perspective". *Journal of Moral Education*, 49(3): 330-345.

49. Larsen, R. J., Buss, D. M., Wismeijer, A., Song, J. & Van den Berg, S. (2021). *Personality psychology: Domains of knowledge about human nature* (Vol. 5). McGraw-Hill.

50. Lee, S. D., Kuncel, N. R. & Gau, J. (2020). "Personality, attitude, and demographic correlates of academic dishonesty: A meta-analysis". *Psychological Bulletin*, 146(11): 1042-1058.

51. Maille, V., Gentina, E. & Li, Z. (2021). The influence of social belonging and creativity on the immoral consumption behaviors of new adolescents: A cross-cultural study of 16–24 year olds. *Recherche et Applications en Marketing (English Edition)*, 36(3): 70-99.

52. McCrae, R. R. (2017). The Five-Factor Model across cultures. In A. T. Church (Ed.), *The Praeger handbook of personality across cultures: Trait psychology across cultures* (pp. 47–71). Praeger/ABC-CLIO.



53. Moreira, P. A., Inman, R. A., Rosa, I., Cloninger, K., Duarte, A., & Robert Cloninger, C. (2021). "The psychobiological model of personality and its association with student approaches to learning: Integrating temperament and character". *Scandinavian Journal of Educational Research*, 65(4): 693-709.
54. Morse, L., & Cohen, T. R. (2019). "Moral character in negotiation". *Academy of Management Perspectives*, 33(1): 12-25.
55. Narvaez, D. (2010). "Moral complexity: The fatal attraction of truthiness and the importance of mature moral functioning". *Perspectives on Psychological Science*, 5(2): 163-181.
56. Nucci, L. & Narvez, D. (Eds.). (2014). *Handbook of moral and character education*, Routledge.
57. O'Boyle, E. H., Jr. Forsyth, D. R., Banks, G. C., & McDaniel, M. A. (2012). "A meta-analysis of the Dark Triad and work behavior: A social exchange perspective". *Journal of Applied Psychology*, 97(3): 557-579.
58. Ones, D. S., Viswesvaran, C. & Schmidt, F. L. (2012). Integrity tests predict counterproductive work behaviors and job performance well: Comment on Van Iddekinge, Roth, Raymark, and Odle-Dusseau (2012). *Journal of Applied Psychology*, 97(3): 537-542.
59. Peterson, C. & Seligman, M. E. (2004). *Character strengths and virtues: A handbook and classification* (Vol. 1). Oxford University Press.



60. Rai, T. S. & Fiske, A. P. (2011). "Moral psychology is relationship regulation: Moral motives for unity, hierarchy, equality, and proportionality". *Psychological Review*, 118(1): 57-75.
61. Reeve, J. (2018). *Understanding motivation and emotion*. Hoboken, New Jersey: John Wiley & Sons.
62. Rest, J. R., Narvaez, D., Thoma, S. J. & Bebeau, M. J. (1999). "DIT2: Devising and testing a revised instrument of moral judgment". *Journal of Educational Psychology*, 91(4): 644-659.
63. Río-Martínez, L., Marquez-Arrico, J. E., Prat, G. & Adan, A. (2020). "Temperament and character profile and its clinical correlates in male patients with dual schizophrenia". *Journal of Clinical Medicine*, 9(6): 1-16.
64. Roberts, B. W., Jackson, J. J., Fayard, J. V., Edmonds, G. & Meints, J. (2009). Conscientiousness, In M. R. Leary & R. H. Hoyle (Eds.), *Handbook of Individual Differences in Social Behavior*, New York: Guilford Press.
65. Sackett, P. R. & Walmsley P. T. (2014). "Which personality attributes are most important in the workplace?" *Perspect Psychological Scienc*, 9(5):538- 551.
66. Schunk, D. H. & Zimmerman, B. J. (2013). Self-regulation and learning. In W. M. Reynolds, G. E. Miller, & I. B. Weiner (Eds.), *Handbook of psychology: Educational psychology* (pp. 45–68). John Wiley & Sons, Inc..
67. Seligman, M. E. R. (2002). *Positive Psychology, Positive Presentation and Positive Therapy in the Hand book of Positive*

Psychology edited by Snyder, C. R. & Lopez, S. J., Oxford University Press.

68. Shao, R., Aquino, K. & Freeman, D. (2008). "Beyond moral reasoning: A review of moral identity research and its implications for business ethics". *Business Ethics Quarterly*, 18(4): 513–540.

69. Sheikh, S. (2007). *Moral motivations: The relationship between self-regulation and morality*. Masters Theses, Graduate School, University of Massachusetts Amherst.

70. Sperry, L. (1997). "Leadership dynamics: Character and character structure in executives". *Consulting Psychology Journal: Practice and Research*, 49(4): 268–280.

71. Tangney, J. P., Stuewig, J. & Martinez, A. G. (2014). "Two faces of shame: The roles of shame and guilt in predicting recidivism". *Psychological Science*, 25(3): 799-805.

72. Tangney, J. P., Stuewig, J. & Mashek, D. J. (2007). "Moral emotions and moral behavior". *Annual Review of Psychology*, 58: 345-372.

73. Wiltermuth, S. S. & Cohen, T. R. (2014). "I'd Only Let You Down: guilt proneness and the avoidance of harmful interdependence". *Journal Personality Social Psychology*, 107(5): 925-942.

74. Wong, D. B. (2006). *Natural moralities: A defense of pluralistic relativism*, New York: Oxford University Press.



References

1. Aquino, K., & Reed, A. (2002). "The self-importance of moral identity". *Journal of Personality and Social Psychology*, 83(6): 1423-1440.
2. Aquino, K., Freeman, D., Reed II, A., Lim, V. K., & Felps, W. (2009). "Testing a social-cognitive model of moral behavior: The interactive influence of situations and moral identity centrality". *Journal of Personality and Social Psychology*, 97(1): 123-141.
3. Arbezi, Mohsen and Farhad Khormaei (2021a). "The relationship between task orientation and achievement: The mediating role of locus of control". *Journal of Psychology*. 25(1): 32-49.
4. Arbezi, Mohsen and Farhad Khormaei (2021b). "Structural relationship between the moral character of patience and academic achievement: the mediating role of locus of control". *Development Strategies in Medical Education*. 8(2): 41-51.
5. Ashton, M. C., & Lee, K. (2007). "Empirical, theoretical, and practical advantages of the HEXACO model of personality structure". *Personality and Social Psychology Review*, 11(2): 150-166.
6. Ashton, M. C., & Lee, K. (2008). "The HEXACO model of personality structure and the importance of the H Factor". *Social and Personality Psychology Compass*, 2(5): 1952-1962.
7. Ashton, M. C., Lee, K., & Vries, R. E. (2014). "The HEXACO Honesty-Humility, Agreeableness, and Emotionality Factors A Review of Research and Theory". *Personality and Social Psychology Review*, 18(2): 139-152.
8. Ashton, M. C., Paunonen, S. V., & Lee, K. (2014). "On the validity of narrow and broad personality traits: A response to". *Personality and Individual Differences*, 56: 24-28.
9. Batson, C. D., Lishner, D. A., Carpenter, A., Dulin, L., Harjusola-Webb, S., Stocks, E. L., ... & Sampat, B. (2003). "As you would have them do unto you: Does imagining yourself in the other's place stimulate moral action". *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29(9): 1190-1201.
10. Baumeister, R. F., Vohs, K. D., & Tice, D. M. (2007). "The Strength Model of Self-Control". *Current Directions in Psychological Science*, 16(6): 351-355.
11. Bazerman, M. H., & Gino, F. (2012). "Behavioral Ethics: Toward a Deeper Understanding of Moral Judgment and Dishonesty". *Annual Review of Law and Social Science*, 8(1): 85- 104.
12. Berry, C. M., Carpenter, N. C., & Barratt, C. L. (2012). "Do other-reports of counterproductive work behavior provide an incremental contribution over self-reports? A meta-analytic comparison". *Journal of Applied Psychology*, 97(3): 613-636.
13. Bethlehem, R. A., Allison, C., van Andel, E. M., Coles, A. I., Neil, K., & Baron-Cohen, S. (2017). "Does empathy predict altruism in the wild?" *Social Neuroscience*, 12(6): 743-750.
14. Blasi, A. (2005). "Moral character: A psychological approach. In D.K. Lapsley & F.C. Power (Eds.)", *Character psychology and character education* (pp. 18-35), Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press.
15. Cloninger, C. R. (1994). "Temperament and personality". *Current Opinion in Neurobiology*, 4(2): 266-273.
16. Cloninger, C. R., & Syrakic, D. M. (1994). *Differentiating normal and deviant personality by the seven factor personality model*. In S. Strack and M Lorr (Eds). New York: Springer Publishing co.
17. Cohen, T. R. (2017). "The morality factor". *Scientific American-Mind*, 28(1): 32-38.
18. Cohen, T. R., & Morse, L. (2014). "Moral character: What it is and what it does". *Research in Organizational Behavior*, 34: 43-61.
19. Cohen, T. R., & Proneness, G. (2017). "Moral Character and Trustworthiness in Negotiations". *The Negotiator's Desk Reference*, 471-480.
20. Cohen, T. R., Morse, L., & Kim, Y. (2014). "Moral character in the workplace". *Journal Personality and Social Psychology*, 107(5): 943-963.
21. Cohen, T. R., Panter, A. T., & Turan, N. (2012). "Guilt proneness and moral character". *Current Directions in Psychological Science*, 21(5): 355-359.
22. Cohen, T. R., Panter, A. T., Turan, N., Morse, L., & Kim, Y. (2013). "Agreement and similarity in self-other perceptions of moral character". *Journal of Research in Personality*, 47(6): 816-830.
23. Cohen, T. R., Panter, A. T., Turan, N., Morse, L., & Kim, Y. (2014). "Moral character in the workplace". *Journal of Personality and Social Psychology*, 107(5): 943-963.
24. Davis, M. H. (2015). Empathy and prosocial behavior. In D. A. Schroeder & W. G. Graziano (Eds.), *The Oxford handbook of prosocial behavior* (pp. 282-306). Oxford University Press.

25. De Ridder, D. T., Lensvelt-Mulders, G., Finkenauer, C., Stok, F. M., & Baumeister, R. F. (2012). "Taking stock of self-control: A meta-analysis of how trait self-control relates to a wide range of behaviors". *Personality and Social Psychology Review*, 16(1): 76-99.
26. Decety, J., & Cowell, J. M. (2014). "Friends or foes: Is empathy necessary for moral behavior?" *Perspectives on Psychological Science*, 9(5): 525-537.
27. Decety, J., & Cowell, J. M. (2015). "Empathy, justice, and moral behavior". *AJOB Neuroscience*, 6(3): 3-14.
28. Doris, J. M., & Doris, J. M. (2002). *Lack of character: Personality and moral behavior*. Cambridge University Press.
29. Eisenberg, N. (2000). "Emotion, regulation, and moral development". *Annual Review of Psychology*, 51(1): 665-697.
30. Fillip, I., Saheba, N., Wick, B. & Amir Radfar, M. D. (2016). Morality and ethical theories in the context of human behavior. *Morality and Ethical Theories*, 32(2): 83-87.
31. Frimer, J. A., Schaefer, N. K. & Oakes, H. (2014). "Moral actor, selfish agent". *Journal of Personality and Social Psychology*, 106(5): 790-802.
32. Funder, D. C. & Fast, L. A. (2010). Personality in social psychology. In S. T. Fiske, D. T. Gilbert, & G. Lindzey (Eds.), *Handbook of social psychology* (pp. 668–697). John Wiley & Sons, Inc.
33. Geyer, A. L. & Baumeister, R. F. (2005). Religion, Morality, and Self-Control: Values, Virtues, and Vices. In R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), *Handbook of the psychology of religion and spirituality* (pp. 412–432). The Guilford Press.
34. Giluk, T. L. & Postlethwaite, B. E. (2015). "Big Five personality and academic dishonesty: A meta-analytic review". *Personality and Individual Differences*, 72: 59-67.
35. Gino, F., & Ariely, D. (2012). "The dark side of creativity: original thinkers can be more dishonest". *Journal of Personality and Social Psychology*, 102(3): 445-459.
36. Gino, F., Schweitzer, M. E., Mead, N. L., & Ariely, D. (2011). "Unable to resist temptation: How self-control depletion promotes unethical behavior". *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 115(2): 191-203.
37. Guo, Z., Li, W., Yang, Y., & Kou, Y. (2021). "Honesty-Humility and unethical behavior in adolescents: The mediating role of moral disengagement and the moderating role of system justification". *Journal of Adolescence*, 90: 11-22.
38. Haidt, J. & Kesebir, S. (2010). Morality, In S. T. Fiske, D. T. Gilbert & G. Lindzey (Eds.), *Handbook of Social Psychology* (Vol. 5, pp. 797-832), New York: Wiley.
39. Haidt, J. (2010). "Moral psychology must not be based on faith and hope: Commentary on Narvaez". *Perspectives on Psychological Science*, 5(2): 182-184.
40. Henle, C. & Gross, M. (2013). Born to Be Deviant?: An Examination of the Relationship between Workplace Deviance and Employee Personality. In S. Elias (Ed.), *Deviant and Criminal Behavior in the Workplace* (pp. 50-76). New York, USA: New York University Press.
41. Hertz, S. G. & Krettenauer, T. (2016). "Does moral identity effectively predict moral behavior?: A meta-analysis". *Review of General Psychology*, 20(2): 129-140.
42. Hogan, R. (1973). "Moral conduct and moral character: A psychological perspective". *Psychological Bulletin*, 79(4): 217-232.
43. Hogan, R. (1975). "The structure of moral character and the explanation of moral action". *Journal of Youth and Adolescence*, 4(1): 1-15.
44. Janoff-Bulman, R. & Carnes, N. C. (2013). "Surveying the Moral Landscape Moral Motives and Group-Based Moralities". *Personality and Social Psychology Review*, 17(3): 219-236.
45. Jordan, J., Flynn, F. J. & Cohen, T. R. (2015). "Forgive them for I have sinned: The relationship between guilt and forgiveness of others' transgressions". *European Journal of Social Psychology*, 45(4): 441-459.
46. Kim Y., Cohen T. R. & Panter A. T. (2015). The reciprocal relationship between counterproductive work behavior and workplace mistreatment: Its temporal dynamics and boundary conditions. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2638429> Paper presented at the annual meeting of the Interdisciplinary Network for Group Research (INGroup), Pittsburgh, PA.
47. Kim, Y. & Cohen, T. R. (2015). "Moral character and workplace deviance: Recent research and current trends". *Current opinion in Psychology*, 6: 134-138.

48. Krettenauer, T. (2020). "Moral identity as a goal of moral action: A Self-Determination Theory perspective". *Journal of Moral Education*, 49(3): 330-345.
49. Larsen, R. J., Buss, D. M., Wismeijer, A., Song, J. & Van den Berg, S. (2021). *Personality psychology: Domains of knowledge about human nature* (Vol. 5). McGraw-Hill.
50. Lee, S. D., Kuncel, N. R. & Gau, J. (2020). "Personality, attitude, and demographic correlates of academic dishonesty: A meta-analysis". *Psychological Bulletin*, 146(11): 1042-1058.
51. Maille, V., Gentina, E. & Li, Z. (2021). The influence of social belonging and creativity on the immoral consumption behaviors of new adolescents: A cross-cultural study of 16–24 year olds. *Recherche et Applications en Marketing (English Edition)*, 36(3): 70-99.
52. McCrae, R. R. (2017). The Five-Factor Model across cultures. In A. T. Church (Ed.), *The Praeger handbook of personality across cultures: Trait psychology across cultures* (pp. 47–71). Praeger/ABC-CLIO.
53. Moreira, P. A., Inman, R. A., Rosa, I., Cloninger, K., Duarte, A., & Robert Cloninger, C. (2021). "The psychobiological model of personality and its association with student approaches to learning: Integrating temperament and character". *Scandinavian Journal of Educational Research*, 65(4): 693-709.
54. Morse, L., & Cohen, T. R. (2019). "Moral character in negotiation". *Academy of Management Perspectives*, 33(1): 12-25.
55. Narvaez, D. (2010). "Moral complexity: The fatal attraction of truthiness and the importance of mature moral functioning". *Perspectives on Psychological Science*, 5(2): 163-181.
56. Nucci, L. & Narvez, D. (Eds.). (2014). *Handbook of moral and character education*, Routledge.
57. O'Boyle, E. H., Jr. Forsyth, D. R., Banks, G. C., & McDaniel, M. A. (2012). "A meta-analysis of the Dark Triad and work behavior: A social exchange perspective". *Journal of Applied Psychology*, 97(3): 557-579.
58. Ones, D. S., Viswesvaran, C. & Schmidt, F. L. (2012). Integrity tests predict counterproductive work behaviors and job performance well: Comment on Van Iddekinge, Roth, Raymark, and Odle-Dusseau (2012). *Journal of Applied Psychology*, 97(3): 537-542.
59. Peterson, C. & Seligman, M. E. (2004). *Character strengths and virtues: A handbook and classification* (Vol. 1). Oxford University Press.
60. Rai, T. S. & Fiske, A. P. (2011). "Moral psychology is relationship regulation: Moral motives for unity, hierarchy, equality, and proportionality". *Psychological Review*, 118(1): 57-75.
61. Reeve, J. (2018). *Understanding motivation and emotion*. Hoboken, New Jersey: John Wiley & Sons.
62. Rest, J. R., Narvaez, D., Thoma, S. J. & Bebeau, M. J. (1999). "DIT2: Devising and testing a revised instrument of moral judgment". *Journal of Educational Psychology*, 91(4): 644-659.
63. Río-Martínez, L., Marquez-Arrico, J. E., Prat, G. & Adan, A. (2020). "Temperament and character profile and its clinical correlates in male patients with dual schizophrenia". *Journal of Clinical Medicine*, 9(6): 1-16.
64. Roberts, B. W., Jackson, J. J., Fayard, J. V., Edmonds, G. & Meints, J. (2009). Conscientiousness, In M. R. Leary & R. H. Hoyle (Eds.), *Handbook of Individual Differences in Social Behavior*, New York: Guilford Press.
65. Sackett, P. R. & Walmsley P. T. (2014). "Which personality attributes are most important in the workplace?" *Perspect Psychological Scienc*, 9(5):538- 551.
66. Schunk, D. H. & Zimmerman, B. J. (2013). Self-regulation and learning. In W. M. Reynolds, G. E. Miller, & I. B. Weiner (Eds.), *Handbook of psychology: Educational psychology* (pp. 45–68). John Wiley & Sons, Inc..
67. Seligman, M. E. R. (2002). *Positive Psychology, Positive Presentation and Positive Therapy in the Handbook of Positive Psychology* edited by Snyder, C. R. & Lopez, S. J., Oxford University Press.
68. Shao, R., Aquino, K. & Freeman, D. (2008). "Beyond moral reasoning: A review of moral identity research and its implications for business ethics". *Business Ethics Quarterly*, 18(4): 513–540.
69. Sheikh, S. (2007). *Moral motivations: The relationship between self-regulation and morality*. Masters Theses, Graduate School, University of Massachusetts Amherst.
70. Sperry, L. (1997). "Leadership dynamics: Character and character structure in executives". *Consulting Psychology Journal: Practice and Research*, 49(4): 268–280.
71. Tangney, J. P., Stuewig, J. & Martinez, A. G. (2014). "Two faces of shame: The roles of shame and guilt in predicting recidivism". *Psychological Science*, 25(3): 799-805.
72. Tangney, J. P., Stuewig, J. & Mashek, D. J. (2007). "Moral emotions and moral behavior". *Annual Review of Psychology*, 58: 345-372.

73. Wiltermuth, S. S. & Cohen, T. R. (2014). "I'd Only Let You Down: guilt proneness and the avoidance of harmful interdependence". *Journal Personality Social Psychology*, 107(5): 925-942.
74. Wong, D. B. (2006). *Natural moralities: A defense of pluralistic relativism*, New York: Oxford University Press.

